

تحلیل و ارزیابی رابطه حکمروایی خوب شهری و کیفیت زندگی (مورد: محلات شهر سنندج)^۱

فرزین چاره‌جو^۲

استادیار گروه شهرسازی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

عاطفه احمدی

دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، مدرس دانشگاه کردستان و واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

فرهاد جوان

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۱۷ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۹

چکیده

کیفیت زندگی محصول تاریخی نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، کیفی اقتصادی و سیاسی است و نمی‌توان آن را مجزا از ساختارهای فوق تبیین کرد، آنچه در این ارتباط تاثیر شگرفی روی کیفیت زندگی از جنبه عینی و ذهنی و برای گسترش عدالت فضایی در میان تمام اقشار و گروه‌های جمعیتی دارد، حکمروایی خوب شهری است. آنچه در این رویکرد حائز اهمیت است، تقویت فرایند توسعه شهری است، به گونه‌ای که در جامعه زمینه و محیط مناسبی را برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان فراهم شود. در این راستا پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن تاکید بر جنبه کاربردی آن به تحلیل و ارزیابی رابطه بین حکمروایی و کیفیت زندگی پرداخته شد. روش جمع آوری اطلاعات بر اساس فن پیمایشی و پرسشنامه محقق ساخته که روایی آن توسط اساتید گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج و دانشگاه کردستان مورد تایید گرفته است و پایایی آن بر اساس روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰.۸۸ تا ۰.۹۴ محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی (رگرسیون خطی و همبستگی و تحلیل عامل تاییدی) و معادلات ساختاری در LISREL بهره گرفته است. نتایج پژوهش نشان داده است که از نظر آماری، یک همبستگی معنادار بین دو بعد وجود دارد و نتایج معادلات ساختاری نشان داد که میزان تاثیرات حکمروایی بر کیفیت زندگی برابر با ۰.۴۲ است که نشان دهنده تاثیرگذاری ۴۲ درصد حکمروایی در تبیین کیفیت زندگی است. همچنین مقادیر بارهای عاملی نشان از تاثیرگذاری بالای شاخص‌ها و ابعاد در ایجاد روابط بین متغیرها دارد. این مورد به ویژه در ارتباط با ابعاد محیطی و آموزشی نمود بیشتری پیدا می‌کند و نتایج برازندگی ۰.۰۴ است که این بیانگر مطلوبیت مدل به کار گرفته در پژوهش است.

کلمات کلیدی: حکمروایی خوب شهری، کیفیت زندگی، محله، سنندج

۱- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان "بررسی و تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی در محلات شهر سنندج" است.

۲- (نویسنده مسئول) f. charehjo@iausdj. ac. ir

مقدمه

کیفیت زندگی و برخورداری از آن، مفهومی پیچیده و چندبعدی است (بریمانی و بلوچی، ۱۳۹۲)، که تحت‌تأثیر مؤلفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی و سرمایه اجتماعی قرار دارد و از این‌رو، در نظر افراد و گروه‌های مختلف معانی گوناگونی برای آن وجود دارد. برخی آن را قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (Nilsson et al., 2006).

کیفیت زندگی محصول تاریخی نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، کیفی اقتصادی و سیاسی است و نمی‌توان آن را مجزا از ساختارهای فوق تبیین کرد. بنابراین مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب است و وضعیت آن به سطح توسعه یافتگی جوامع بستگی دارد و می‌توان آن را با طراحی و تدوین شاخص‌هایی، تعریف و اجرا کرد (شاه حسینی و توکلی، ۱۳۹۳). کیفیت زندگی در هر جامعه‌ای، یکی از مهمترین اهداف سیاست‌های عمومی آن جامعه است. در طول سه دهه اخیر، کیفیت زندگی به عنوان جانشینی برای رفاه مادی، به اصلی‌ترین هدف اجتماعی کشورهای مختلف تبدیل شده است (Berger-Schmitt, 2002). محققان این مسئله را بر اساس دو روش مورد بررسی قرار داده‌اند، در روش نخست، به شاخص‌های قابل سنجش برای انعکاس میزان برآورده شدن نیازهای انسانی یا ارزیابی عینی کیفیت زندگی تاکید می‌شود و در روش دوم، سطوح شادکامی و رضایتمندی، آن هم معمولاً بر اساس گزارش‌های شخصی افراد از تجارب زندگی در فضاهای زیستی مورد تاکید قرار می‌گیرد، که به آن بهزیستی ذهنی می‌گویند (کوکبی و دیگران، ۱۳۸۴). اما آنچه که اصطلاحاً اندازه‌های عینی کیفیت زندگی نامیده می‌شود، عموماً بر شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی متمرکزند. این در حالی است که اندازه‌های ذهنی کیفیت زندگی، تمرکزشان بر گزارش‌های شخصی افراد از تجارب زندگی است. و همین‌ها مکمل شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی و اکولوژیکی‌اند. باید اذعان کرد که کیفیت زندگی به شدت از زمان و مکان تأثیر می‌پذیرد و مولفه‌های و عوامل تشکیل دهنده آن با توجه به دوره زمانی یا مکان جغرفیایی و سطوح توسعه یافتگی، نظام مدیریت و حکمروایی متفاوت خواهند بود (Bullock, 2004).

در این ارتباط، یکی از متغیرهای که بر روی سطوح کمی و کیفی کیفیت زندگی مجامع انسانی تأثیر گذار است، حکمروایی خوب شهری است، این موضوع بخصوص در زمان حاضر در مجامع بین‌المللی و محافل کارشناسی تنها راه خروج از بن‌بست فقر و توسعه نیافتگی و سطوح پایین کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی تلقی می‌شود و مدیریت شهری چاره‌ای جز اجرای آن ندارد (حکمت‌نیا و دیگران، ۱۳۹۶). بنابراین رویکردی که به عنوان اثر بخش‌ترین، کم هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت شهری معرفی می‌شود، "حکمروایی خوب شهری" است (موحد و دیگران، ۱۳۹۴). هدف از حکمروایی شهری تقویت فرایند توسعه شهری است؛ به گونه‌ای که در جامعه زمینه و محیط مناسبی را برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان فراهم شود (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۹). در این راستا با توجه به پیوستگی و تأثیر گذاری حکمروایی بر کیفیت زندگی، پژوهش حاضر بر آن است به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در سطح محلات ۹۳ گانه شهر سنندج پردازد. بنابراین این پژوهش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از فن پیمایشی و با کاربردی

آمار استنباطی و معادلات ساختاری در پی پاسخگویی به سوال اصلی، که آیا بین حکمروایی خوب شهری و کیفیت زندگی رابطه وجود دارد؟ و حکمروایی خوب شهری به چه میزان بر کیفیت زندگی تاثیر دارد؟

پیشینه مطالعه

مطالعات بسیاری کیفیت زندگی شهری را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما در این میان، مطالعاتی که به ارزیابی کیفیت زندگی با تاکید بر حکمروایی پرداخته‌اند، بسیار اندک هستند. که در ذیل به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود: موحد و دیگران (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای به بررسی حکمروایی خوب شهری در محله‌های شهری (مورد مطالعه: منطقه ۱۹ شهرداری تهران)، پرداخته است. نتایج مطالعه نشان داده است که تنها ۲۴ درصد از محله‌ها دارای وضعیت حکمروایی خوب شهری می‌باشند. همچنین دیگر نتایج تحقیق نشان داده است که متغیر حکمروایی خوب شهری از سطح متوسط میانگین پایین تر بوده و این موضوع نشان می‌دهد که در محله‌های نمونه سطح حکمروایی خوب در حد مناسبی نیست (موحد و دیگران، ۱۳۹۴).

شریف زادگان و قانونی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان تحلیل رابطه حکمروایی خوب کشورها و کیفیت زندگی به این نتیجه دست یافته‌اند که حکمروایی ملی بر کیفیت زندگی تاثیر دارد و از میان متغیرهای حکمروایی، متغیری که از بیشترین همبستگی با کیفیت برخوردار بوده است، حاکمیت قانون می‌باشد (شریف زادگان و قانونی، ۱۳۹۶).

احمد آخوندی و دیگران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان سنجش کیفیت زندگی شهری در کلانشهر تهران بیان کرده‌اند که شناخت و سنجش کیفیت زندگی در نواحی کلانشهر تهران که معلول اقدامات مدیریت شهری و سایر نهادهای دولتی و خصوصی است، موضوع بسیار حیاتی است که با توجه به عدم سنجش کیفیت زندگی شهری در پهنه پایتخت تا کنون، می‌تواند زمینه‌ای برای ترسیم نقشه راهی جهت مدیریت شهری و سایر نهادهای مسئول در جهت آگاهی از وضعیت موجود و اقدام برای تحقق صورت وضعیت مطلوب باشد. یافته‌های این پژوهش در بخش مطالعات نظری به مستندسازی و استخراج جامع بیش از ۹۰ شاخص کیفیت زندگی از سه حوزه نظری پژوهش‌های آکادمیک، تجارب شهرهای معتبر خارجی و پژوهش‌های سازمانهای جهانی منجر گردید. در مراحل بعدی، گردآوری داده‌ها در قالب ۱۲۰۰۰ پرسش‌نامه در تمامی ۱۱۴ ناحیه شهر تهران و تحلیل آن‌ها با روش‌های یاد شده صورت گرفت. یافته‌های حاصل از اندازه‌گیری کیفیت زندگی در شهر تهران نشان داده است که عوامل اصلی موثر بر کیفیت زندگی در کلانشهر تهران را نوزده عامل اصلی تشکیل می‌دهند (احمد آخوندی و دیگران، ۱۳۹۳).

احدنژاد و دیگران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان سنجش کیفیت ذهنی زندگی در محلات شهری با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (مطالعه موردی: محلات کارمندان و اسلام آباد شهر زنجان)، به این نتیجه دست یافته‌اند که کیفیت زندگی شهری معمولاً از طریق شاخص‌های ذهنی حاصل از پیمایش و ارزیابی ادراکات و رضایت شهروندان از زندگی شهری و یا با استفاده از شاخص‌های عینی حاصل از داده‌های ثانویه و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخص‌ها اندازه‌گیری می‌شود. نتایج حاصل نشان داده است که اولاً میزان رضایت ساکنین براساس شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی در محلات برنامه‌ریزی شده و سکونتگاه غیررسمی متغیر بوده و ثانیاً کیفیت زندگی خانوار با سطوح مختلف وضعیت شغلی، سطح

تحصیلات، میزان درآمد، میزان سن، تعداد اتاق برای خانوار و تعداد خانوار در مسکن نیز متفاوت می‌باشد (احدزاد و نجفی، ۱۳۹۴).

توکلی و مومنی (۱۳۹۵) نیز همچنین در پژوهشی با عنوان بررسی میزان تحقق پذیری شاخص‌های حکمروایی خوب شهری با تاکید بر کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: مناطق ۱، ۷ و ۲۲ شهر تهران)، بیان کرده‌اند که از میان شاخص‌های حکمروایی خوب شهری، شاخص شفافیت یا ۱۵۳.۰، شاخص مشارکت با ۰.۸۰، شاخص پاسخگویی با ۴۳۹.۰ و شاخص حاکمیت ۳۲۸.۰ امتیاز را به دست آورده است و در میان مناطق مورد بررسی، منطقه یک بالاترین وضعیت تحقق پذیری را به دست آورده است (توکلی و مومنی، ۱۳۹۵).

مبانی نظری

کیفیت زندگی، واژه‌ای پیچیده در ارتباط با شرایط و وضعیت جمعیت در یک ناحیه است. این کیفیت دربرگیرنده ابعاد روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می‌گیرد (شاخص‌های ذهنی) که در برخی از موارد، رضایت‌های اجتماعی نیز نامیده می‌شود. علاوه بر ابعاد روانی، این کیفیت همچنین شامل ابعادی محیطی که دربرگیرنده سنجه‌هایی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی است (شاخص‌های عینی)، می‌باشد. علاوه بر این‌ها، دربرگیرنده جنبه‌های دیگری چون توجه به فرصت‌های اجتماعی، امیدهای اشتغال، ثروت و اوقات فراغت نیز می‌باشد؛ که البته برخی آنرا مترادف با رفاه (being-well) نیز می‌دانند (سیف‌الدینی، ۱۳۸۱).

رویکردهای اصلی موجود در زمینه سنجش کیفیت زندگی شهری و کیفیت زندگی یک فرد به حقایق عینی و خارجی زندگی وی و دریافت‌ها و ادراکات درونی و ذهنی او از این عوامل و نیز از خودش وابسته است. این مساله تقریباً توسط اکثر پژوهشگران مورد تصدیق قرار گرفته است. بنابراین، تحقیقات انجام شده در مورد کیفیت زندگی می‌کوشد تا اثر مرکب این عوامل عینی و ذهنی را بر رفاه و عمدتاً سعادت بشری بسنجد. در طی دهه‌های گذشته دو رویکرد علمی به سنجش کیفیت زندگی وجود داشته است، اولی رویکرد عینی یا شاخص‌های اجتماعی و دومی سنجش ذهنی بهزیستی است. جنبش شاخص‌های اجتماعی بر اندازه‌گیری متمرکز بوده و رشد شاخص‌های اجتماعی در سنجش کیفیت زندگی با مورد سؤال قرار دادن همبستگی رشد اقتصادی رفاه، همزمان بوده است. در مقابل، تحقیقات ذهنی سنجش بهزیستی، به تجربه ذهنی افراد از زندگیشان مربوط است. در این جا فرض پایه آن است که بهزیستی میتواند از طریق تجارب آگاهانه مردم به واسطه احساس لذت و رضایت شناختی، تعریف شود (شو و دینر، ۱۹۹۷).

از عوامل دیگری که در رابطه بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی دخالت دارند می‌توان به زمینه فرهنگی افراد اشاره نمود که استاندارد مقایسه را در مقابل شرایط عینی اندازه‌گیری شده، تولید می‌کند. شاخص‌های رویکرد ذهنی برای توصیف شیوه‌هایی که مردم اوضاع اطرافشان را درک و ارزیابی می‌کنند طراحی شده‌اند (همچون رضایت از شغل). این شاخص‌ها براساس پاسخ‌های روانی همچون رضایت شغلی اندازه‌گیری می‌گردد. این دسته براساس چگونگی درک و توصیف مردم از وضع خود استوار می‌باشد (محمدرضا احمدی و دیگران، ۱۳۸۹). کیفیت زندگی در بعد ذهنی، به داشتن استقلال عمل در افزایش رفاه ذهنی شامل لذت جویی،

رضایتمندی، هدفداری در زندگی و رشد شخصی رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی اجتماعی و مشارکت گسترده در فعالیتهای اجتماعی اشاره می‌کند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷). بعد ذهنی شامل ادراکات و ارزشیابی‌های افراد از وضعیت زندگیشان می‌باشد (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۷). جنبه‌های ذهنی بر تجارب خوشایند و بدآیند زندگی فردی و حتی جمعی مانند سرخوردگی، احساس بیگانگی از جامعه و از خویشتن خویش، احساس رضایت از زندگی، اشتیاق‌های آدمی و ادراکات انسانی دلالت دارد (اشرف، ۱۳۸۰).

با این توصیف که ارتقای کیفیت زندگی در جهت تسریع توسعه، سلامتی اجتماعی، روانی و اقتصادی افراد مهم ارزیابی می‌شود. از طرفی در دنیای مدرن و زندگی شهری که با کاهش روابط اجتماعی همراه است به گونه‌ای که شبکه ارتباطی افراد نسبت به گذشته فرسوده و کمیت و کیفیت روابط اجتماعی تنزل شدید داشته است و کاهش روابط اجتماعی و پیامدهای آن به یک مساله اجتماعی بدل شده است (پیلتن و نیکنام، ۱۳۹۱). در مدل‌های اخیر توسعه، که از سوی سازمان‌های بین‌المللی ترویج می‌شود، برای بهبود کیفیت و قابلیت زندگی شهری، الگوی حکمروایی خوب شهری مطرح می‌شود که بر مبنای آن می‌توان سلامت، نظم و امنیت را با پیشرفت و رفاه توامان محقق کرد. بر این اساس، مهمترین اصول و معیارهای حکمروایی خوب به شرح ذیل مطرح می‌شود (UNDP, 1997):

مشارکت مردمی: منظور از مشارکت در حکمروایی خوب شهری، قدرت تأثیر گذاران بر تصمیم‌گیری‌ها و سهمیم شدن ساکنین شهر در قدرت است. یعنی مردم باید در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌هایی که به سرنوشت شان مربوط می‌شود، دخالت کنند و نقش فعال و تأثیر گذار داشته باشند، این قدرت به ویژه در چارچوب اهداف راهبردی توسعه پایدار شهری (اقتصادی، اجتماعی، نهادی و اکولوژیکی-کالبدی) مورد نظر است (غفاری و کاویانی، ۱۳۹۰).

پاسخگویی: واژه پاسخگویی فرایندی را شرح می‌دهد که در آن سازمان‌ها، مسئولان و مدیران چه در سطح کلان و یا خرد (شورای اسلامی، شهرداریها) و انجمن‌های محلی شهری مسئول نتایج تصمیمات و فعالیت‌های خود هستند، در واقع، پاسخگویی اهرمی برای افزایش کنترل مسئولان و تصمیم‌گیرندگان هست تا در قبال عملکرد خود مسئول باشند (Turner & Hulme, 2005).

مسئولیت پذیری: حکمروایی خوب شهری نیازمند آن است تا نهادها و فرایندها به نفع همه ذینفعان خدمات ارائه دهند. این امر زمانی امکان پذیر است که نهادها و فرایندها، مسئولان و تصمیم‌گیرندگان به خواست‌ها و انتظارات و نیازهای افراد حساس و مسئول باشند و در قبال آنان حساب پس بدهند، در حکمروایی خوب شهری همه اهل مسئولیت هستند و سعی خواهند کرد از عهده مسئولیتی که به آنها واگذار شده، برآیند.

قانون محوری: حکمروایی خوب شهری مستلزم چارچوب‌های قانونی درست و منصفانه می‌باشد که به صورت بی طرفانه اجرا شود، از سوی دیگر، وجود قوانین کارآمد، مراعات چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن افراد غیر مسئول از تصمیم‌گیری‌ها، مسئله قانون محوری و قانونمندی را در حکمروایی خوب شهری بیش از پیش مورد توجه قرار داده است. پای بندی به قوانین، نیازمند آگاهی مردم و همچنین احترام به مسئولان قانون است،

حمایت کامل از حقوق تمامی استان‌ها به ویژه انسان‌های در حاشیه مانده و فقیر و... و مکان‌های جغرافیایی از اصول اساسی حکمروایی خوب شهری به شمار می‌آید، اجرای بی طرفانه و عاری از تبعیض قوانین مستلزم وجود یک نهاد داوری (قضائیه) مستقل و یک نیروی پلیس و فساد ناپذیر و بی طرف در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی خواهد بود.

شفافیت: در حکمروایی خوب شهری، شفافیت به معنای اختیار دادن به مردم برای تبدیل شدن به حسابرسی در جامعه و داشتن حق اظهار نظر و دسترسی به اطلاعات آزاد است، در چنین حالتی، شفافیت در مقابل پنهان کاری در تصمیم‌گیری‌ها به شمار می‌آید. چه اینکه، در پنهان کاری امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری وجود داشته، در صورتی که شفافیت مانع بروز و یا گسترش آن می‌شود.

کارایی و اثر بخشی: در حکمروایی خوب شهری، کارایی و اثر بخشی به معنای آن است که نهادها و فرایندها نتایجی را به وجود بیاورند که نیازهای جامعه را برآورده ساخته و در عین حال، استفاده مطلوب از منابع در دسترس برای همگان را میسر نماید. در حکمروایی خوب شهری، مفهوم اثربخشی و کارایی، استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست است.

عدالت و برابری: در حکمروایی خوب شهری، ایجاد فرصت‌های مناسب برای تمامی مردم در زمینه ارتقای وضعیت رفاهی‌شان، تلاشی در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت تمامی مردم حتی اقشار محروم و فقیر در اعلام نظر و تصمیم‌گیری نوعی عدالت محسوب می‌شود.

اجماع گرایی (توافق جمعی): در جامعه شهری کنش گران متعدد و گروه‌هایی با منافع مختلف وجود دارند، وظیفه حکمروایی خوب شهری، میانجی‌گری بین دیدگاه‌ها و منافع مختلف موجود در سطح جامعه شهری، به منظور دستیابی به توافقات گسترده درباره آنچه که بهترین منافع را برای آحاد مردم و نیز نحوه دستیابی به آن است، می‌باشد. این کار مستلزم وجود ارتباط و تلاش مشترک میان بخش‌های مختلف دولتی، خصوصی و مردم به ویژه سازمان‌های غیردولتی و نهادهای اجتماعی موجود در شهر می‌باشد. حکمروایی خوب شهری، باید یک چشم انداز وسیع و بلند مدت درباره توسعه پایدار انسانی و چگونگی دستیابی به آن داشته باشد؛ که تحقق چنین امری فقط در سایه نزدیک شدن دیدگاه‌ها و منافع مختلف در جامعه شهری میسر خواهد بود.

مشروعیت: در حکمروایی خوب شهری، رابطه درست و قانونمند بین مسئولان، مدیران و تصمیم‌گیرندگان محلی و غیر محلی با مردم، مشروعیت را به ارمغان می‌آورد. در این رابطه و تعامل فیما بین مسئولان و مجریان امور، تصمیمات آنها توسط اکثریت مردم مورد حمایت و تأیید قرار می‌گیرد. در نتیجه، می‌توان گفت که مشروعیت یک پدیده دموکراتیک بوده و زمانی در جامعه شهری به وجود می‌آید که پشتیبانی اکثریت مردم را طبق قوانین و مقررات به همراه داشته باشد (Barkin, 2000).

برخی تجارب و نظریات موجود در عرصه مدیریت محلی حاکی از آن است، حفظ تعادل بین نیازهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی نسل حاضر و آینده، تغییر پارادایمی را در اداره امور ایجاد کرده است. این تغییر پارادایم به ورود مفاهیمی مانند مشارکت شهروندی، جامعه مدنی، شفافیت، پاسخگویی، عدالت و برابری در کنار کارایی و اثربخشی مدیریت محلی انجامیده است و حکمروایی محلی را به عنوان پیش شرطی برای توسعه پایدار و الگوی مناسبی برای

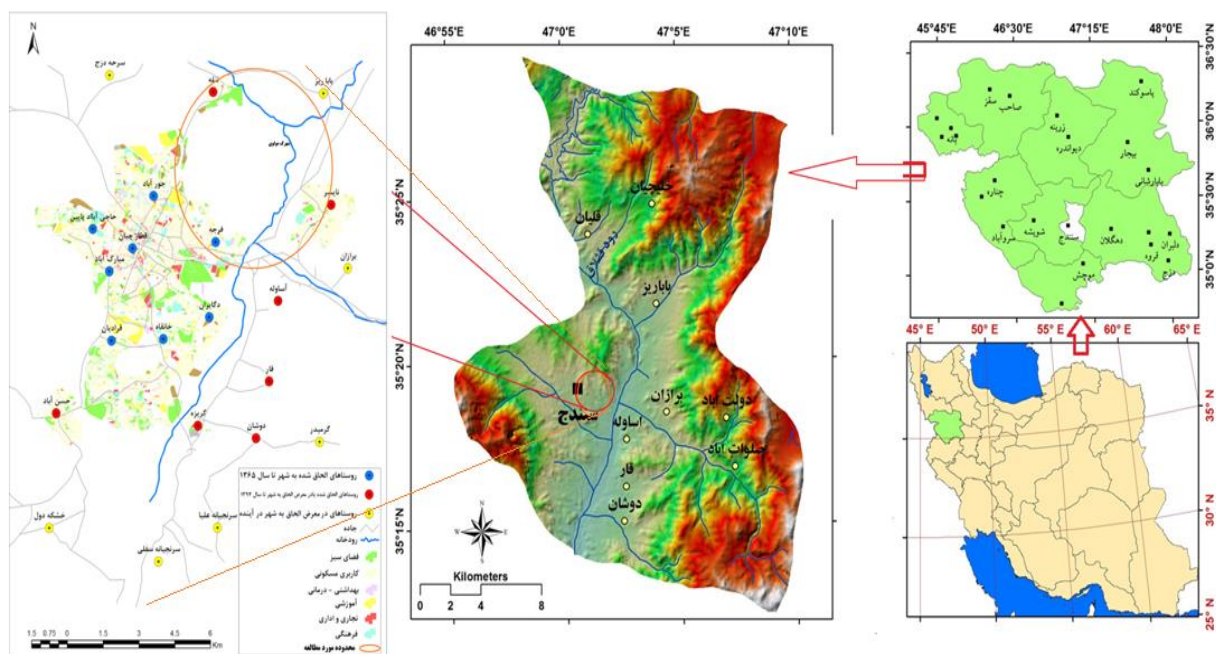
مدیریت شهری و روستایی و بهبود کیفیت زندگی معرفی می‌نماید (UNDP, 2008) و امروزه تقریباً همگان هدف نهایی انواع توسعه را افزایش کیفیت زندگی می‌دانند (وصالی و توکل، ۱۳۹۱).

قلمرو جغرافیایی تحقیق

منطقه مورد مطالعه در پژوهش حاضر شهرستان سنندج در استان کردستان می‌باشد که با مساحت ۲۹۰۶ کیلومتر مربع که بین ۳۵ درجه و ۱ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی و ۶۶ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع گردیده است (عاطفه احمدی، ۱۳۹۶) (موحد و احمدی، ۱۳۹۲) (Ahmadi et al., 2013). شهرستان سنندج دارای دو بخش و ده دهستان می‌باشد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، دارای جمعیتی بالغ بر ۴۱۴۰۶۹ نفر است (شکل: ۱).

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر ضمن تاکید بر جنبه کاربردی آن توصیفی - تحلیلی است. شیوه جمع آوری اطلاعات پیمایشی است و بر اساس پرسشنامه محقق ساخته بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای، که روایی آن توسط اساتید گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی سنندج و دانشگاه کردستان مورد تایید قرار گرفته است و پایایی ابزار پژوهش بر اساس نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. لذا ابزار مدنظر بر روی ۳۰ پاسخگو که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند اجرا و سپس ضرایب پایایی مدنظر محاسبه شد. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل ضرایب پایایی آلفای کرونباخ، از آنجا که ضرایب پایایی در دامنه ۰.۸۸ تا ۰.۹۴ قرار دارد، می‌توان گفت ابزار از ویژگی پایایی مناسب برخوردار است.



شکل (۱): موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۱- ابعاد حکمروایی خوب شهری در محلات شهر سنندج

ابعاد
مشارکت
پاسخگویی
کارایی و اثر بخشی
شفافیت
عدالت
حاکمیت قانون
مسئولیت پذیری
اجتماعی پذیری
انعطاف پذیری

منبع: یافته‌های پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر ساکنین محلات شهر سنندج می‌باشد (شکل ۱) (عاطفه احمدی، ۱۳۹۶) (موحد و احمدی، ۱۳۹۲) (Ahmadi et al. , 2013)، که برای جمعیت ۴۱۴۰۶۹ نفری شهر سنندج و با بهره گیری از روش نمونه گیری کوکران و جدول مورگان تعداد ۳۸۳ نمونه، به صورت خوشه ای چند مرحله‌ای با فن انتساب متناسب و به صورت تصادفی مابین ساکنین شهر سنندج توزیع شده است. به منظور بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، متغیرهای مورد بررسی از مطالعات پیشین پژوهی استخراج شدند، جدول (۱ و ۲). برای تجزیه و تحلیل از آزمون‌های آمار استنباطی و معادلات ساختاری در نرم افزارهای LISREL , SPSS 20 استفاده شده است.

جدول ۲- ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی در محلات شهر سنندج

ابعاد کیفیت زندگی	شاخص‌های کیفیت زندگی
بعد اقتصادی	رضایت از شغل رضایت از درآمد
	رضایت از پس انداز
	میزان دارایی
	میزان دارایی خانواده (مقدار زمین، ملک و اتومبیل)
بعد اجتماعی - فرهنگی	امنیت شغلی (بیمه بازنشستگی، بیمه شغلی)
	نوساز بودن و کیفیت مناسب مداری
	امنیت عمومی (شرارت، دزدی، فقدان مزاحمت)
	دسترسی به امکانات آموزشی
بعد سلامت و بهداشت	دسترسی به پاسگاه نیروی انتظامی
	وجود آزمایشگاه، کتابخانه و تجهیزات مدارس
	مصرف مواد غذایی پروتئینی (گوشت، ماهی...)
	دسترسی به مراکز ورزشی
بعد زیر ساخت‌ها	امکانات فرهنگی و هنری (کتابخانه و...)
	دسترسی به مراکز بهداشتی - درمانی
	سلامت جسمانی خود و خانواده
	وجود تسهیلات مناسب در منازل (سرویس بهداشتی، سیستم گرمایشی و سرمایشی)
بعد محیطی	برخوردراری از مسکن مناسب (کیفیت مصالح، استاندارد ساخت و ساز)
	وضعیت ارتباطی (پوشش شبکه ارتباطی (راه‌ها))
	فاصله مناسب برای دسترسی به شهر
	وضعیت محله از نظر شبکه آب، برق، گاز و تلفن
بعد محیطی	وضعیت محله از جنبه جایگاه دفن زباله
	برخوردراری از آب آشامیدنی سالم
	برخوردراری از شبکه فاضلاب
	امنیت در برابر مخاطرات طبیعی (سیل، زلزله طوفان و...)
	کیفیت هوا (گردوخاک و بومناطیوع و...)

منبع: (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۷)، (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۰)، (ریاحی و دیگران، ۱۳۹۴)، (افراخته و دیگران، ۱۳۹۴)، (Ventegodt et al. , 2003)، (Kamp et al. , 2003).

نتایج پژوهش

در این بخش، تاثیرات شاخص‌های حکمروایی بر شاخص‌های کیفیت زندگی مورد بررسی قرار گرفته است. هدف، سنجش میزان اثرات این شاخص‌ها و سنجش معناداری روابط بین حکمروایی به عنوان متغیر مستقل، و شاخص‌های کیفیت زندگی به عنوان متغیر وابسته است. برای این منظور ابتدا از آزمون رگرسیون خطی جهت سنجش تاثیرات استفاده شده است (جدول ۳). در این بخش شاخص‌های مختلف کیفیت زندگی در نرم افزار ترکیب شده و به یک بعد مجزا تبدیل شده است. همچنین لازم به ذکر است که آزمون رگرسیون تنها برای ابعادی قابل انجام است که از نظر آماری، یک همبستگی معنادار بین دو بعد وجود داشته باشد.

جدول ۳ - نتایج آزمون رگرسیون خطی تاثیر شاخص‌های حکمروایی بر شاخص‌های کیفیت زندگی در سطح شهر سنندج

متغیرهای وابسته	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب beta	مقدار T	ضریب معناداری
کیفیت اوقات فراغت	۱.۰	۱.۰	۱.۰	۶.۳	۰.۰
کیفیت محیطی	۱۸.۰	۰.۰	۲.۰	۱.۶	۰.۰
کیفیت آموزش	۱۷۲.۰	۰.۰	۲.۰	۷.۵	۰.۰
کیفیت سلامت و بهداشت	۲۴۵.۰	۱.۰	۲.۰	۱.۸	۰.۰
امنیت اجتماعی	۲۶۴.۰	۱.۰	۳.۰	۸.۸	۰.۰
کیفیت مسکن کالبدی	۴۵۱.۰	۲.۰	۵.۰	۲.۱۶	۰.۰
کیفیت زیرساخت‌ها	۲۹۲.۰	۱.۰	۳.۰	۷.۹	۰.۰
کیفیت اشتغال و درآمد	۲۹۴.۰	۱.۰	۳.۰	۸.۹	۰.۰
مشارکت	۴۴۲.۰	۲.۰	۴.۰	۰.۱۶	۰.۰
پاسخگویی	۵۶۱.۰	۳.۰	۶.۰	۰.۲۲	۰.۰
کارایی و اثر بخشی	۲۸۴.۰	۱.۰	۳.۰	۴.۹	۰.۰
شفافیت	۴۲۶.۰	۲.۰	۴.۰	۳.۱۵	۰.۰
عدالت	۳۰۸.۰	۱.۰	۳.۰	۵.۱۰	۰.۰
حاکمیت قانون	۴۴۰.۰	۲.۰	۴.۰	۹۰.۱۵	۰.۰
مسئولیت پذیری	۲۹۰.۰	۱.۰	۲.۰	۶۰.۹	۰.۰
اجتماعی پذیری	۵۵۰.۰	۲.۰	۵.۰	۰.۲۱	۰.۰
انعطاف پذیری	۳۹۰.۰	۱.۰	۳.۰	۵.۹	۰.۰

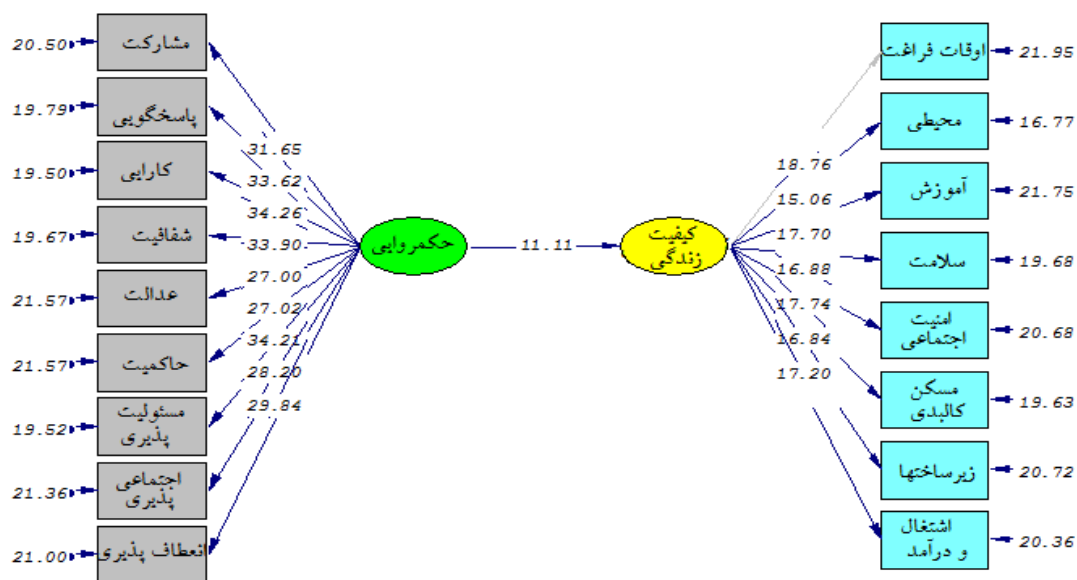
منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج جدول ۳، کلیه نتایج حاصل از آزمون معنادار می‌باشد و ضریب معناداری کمتر از ۰.۰۵ این مسئله را تایید می‌کند. با توجه به ضرایب تعیین و beta، میزان تاثیرات حکمروایی بر وضعیت بعد مسکن و مشارکت بیش از سایر ابعاد است و حکمروایی می‌تواند بین ۵۰ تا ۶۰ درصد از تغییرات ویژگی‌های مسکن و مشارکت در کیفیت زندگی شهر سنندج را تبیین کند. همچنین میزان تاثیرات نسبت به ابعاد انسجام و اعتماد نیز بالا می‌باشد. در این میان کمترین میزان تاثیرات حکمروایی بر شاخص‌های اوقات فراغت، محیط و آموزش و بهداشت می‌باشد که تنها تبیین کننده ۱۰ تا ۲۰ درصد از تغییرات این ابعاد بوده است.

به منظور بررسی دقیق‌تر این مسئله، از تحلیل عاملی تاییدی و روابط ساختاری بین متغیرها استفاده شده است. در این بخش یک مدل نظری بر مبنای ارتباط بین شاخص‌های حکمروایی و ابعاد کیفیت زندگی تهیه شد. در آن بخش از نرم افزار Lisrel جهت سنجش این تاثیرات و روابط استفاده شده است. از آنجا که توزیع داده‌ها در بخش شاخص‌ها به گونه‌ای نرمال نبود که در بخش معادلات ساختاری قابل استفاده باشد، مجموعه ابعاد کیفیت زندگی

جهت سنجش تاثیرپذیری از شاخص‌های حکمروایی مورد استفاده قرار گرفته است. شاخص‌های حکمروایی در یک سمت مدل و ابعاد کیفیت زندگی در سمت دیگر مدل قرار گرفتند تا میزان تاثیرپذیری دو بعد مشخص شده و روابط آن تبیین شود.

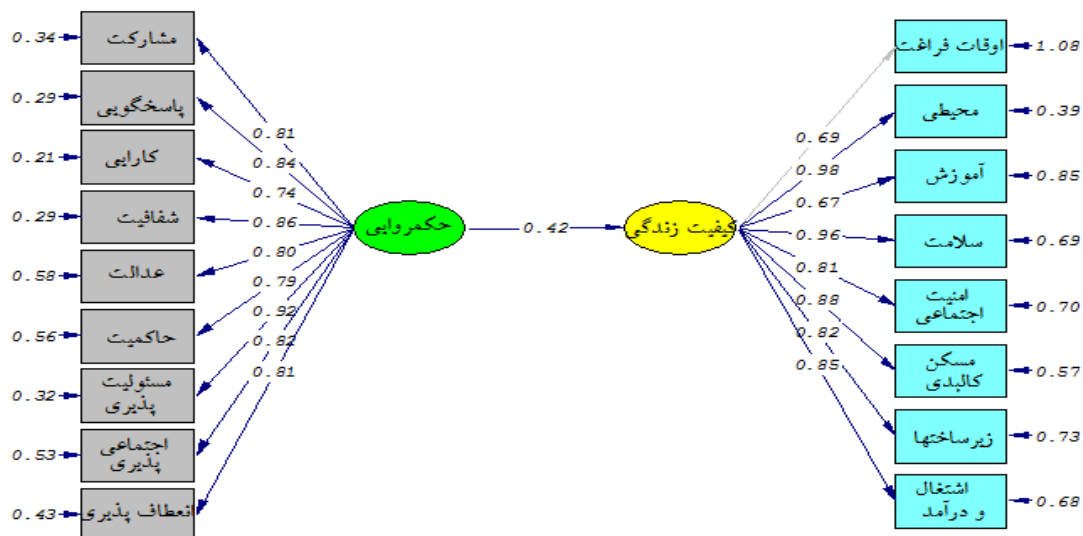
شکل ۲، مدل اندازه‌گیری و ساختاری تاثیرات حکمروایی بر ابعاد کیفیت زندگی را نشان داده است. در این بخش، ابتدا به سنجش معناداری و معتبر بودن نتایج مدل با استفاده از آزمون T پرداخته شده و مقادیر موجود در مدل، مقدار آزمون T برای هر یک از متغیرهای پنهان و مشاهده شده را نشان داده است. چنانچه این مقادیر بیشتر از ۹۶.۱ باشد، نشان از معنادار بودن نتایج دارد که همانطور که در مدل مشخص است که روابط و نتایج حاصل از مدل معنادار بوده و قابلیت تعمیم به سطح کلان را دارا می‌باشد.



شکل ۲- مقدار T مدل ساختاری تاثیرات شاخص‌های حکمروایی بر ابعاد کیفیت زندگی در شهر سنندج

منبع: یافته‌های پژوهش

در شکل ۳، میزان روابط بین شاخص‌ها و ابعاد و میزان بارهای عاملی و خطاها محاسبه شده است. مقادیر بین متغیرهای پنهان (حکمروایی و کیفیت زندگی) با متغیرهای مشاهده شده (مجموعه شاخص‌ها و ابعاد حکمروایی و کیفیت زندگی که از طریق پرسشنامه مورد ارزیابی قرار گرفته است)، به عنوان بارهای عاملی در تحلیل عاملی تاییدی می‌باشند و مقادیر مربوط به متغیرهای مشاهده شده به عنوان مقادیر خطا در نظر گرفته شده است. بر اساس این مدل، میزان تاثیرات حکمروایی بر کیفیت زندگی برابر با ۰.۴۲ می‌باشد که نشان دهنده تاثیرگذاری ۴۲ درصد حکمروایی در تبیین کیفیت زندگی می‌باشد. همچنین مقادیر بارهای عاملی نشان از تاثیرگذاری بالای شاخص‌ها و ابعاد در ایجاد روابط بین متغیرها دارد. این مورد به ویژه در ارتباط با ابعاد محیطی و آموزشی نمود بیشتری پیدا می‌کند.



شکل ۳- مقادیر بارهای عاملی و میزان تاثیرات در مدل ساختاری تاثیرات شاخص‌های حکمروایی بر ابعاد کیفیت زندگی در شهر سنندج

منبع: یافته‌های پژوهش

در مرحله نهایی، میزان برازندگی مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش مشخص می‌شود که مدل حاصل از معادلات ساختاری تا چه میزان مدل مناسب و مطلوبی برای تبیین روابط و تاثیرات بین متغیرها است. شاخص‌های مختلفی در این بخش وجود دارد اما اغلب چهار شاخص بیش از سایر شاخص‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد (جدول ۴-۳۴). شاخص RMSEA نشان دهنده میزان مطلوبیت مدل است و این شاخص‌ها هر چقدر از ۰.۰۵ یا ۱.۰ کمتر باشد، مطلوبیت مدل افزایش می‌یابد. در این مدل، این شاخص برابر با ۰.۰۴ است از این جهت می‌توان برازندگی مدل را تایید کرد. اما در ارتباط با شاخص p-value میزان این شاخص هر میزان که بیشتر از ۰.۰۵ باشد، مدل مطلوبیت بیشتر دارد که در این مدل، برابر با ۰.۰۶ است که از این منظر، این مدل، برازنده است، و همچنین با بررسی دو شاخص کای اسکوتر و GIF می‌تواند به مطلوبیت مدل، اذعان کرد. شاخص کای اسکوتر، شاخص نامناسب بودن یک مدل است و هر چه مقدار این شاخص کمتر باشد، مطلوبیت و برازندگی مدل بیشتر است. با توجه به تعداد بالای نمونه آماری در این پژوهش، جهت سنجش این شاخص، میزان مطلق این شاخص باید در درجه آزادی متغیرها تقسیم شود و چنانچه حاصل آن، کمتر از ۳ باشد، نشان دهنده مطلوبیت مدل است. با توجه به این فرایند، شاخص کای اسکوتر برابر با ۴۵.۲ است که نشان از مطلوبیت مدل دارد. همچنین شاخص GIF متناسب بودن و یا فیت بودن مدل برای پژوهش را نشان می‌دهد که هرچه میزان آن از ۰.۰۸ بیشتر باشد، مدل، برازندگی بیشتری دارد. میزان این شاخص برای مدل فوق برابر با ۰.۸۱ است که نشان از مناسب بودن مدل دارد.

جدول ۴- شاخص‌های موثر در مدل ساختاری تاثیرات شاخص‌های حکمروایی بر ابعاد کیفیت زندگی در شهر سنندج

شاخص	مقدار
شاخص RMSEA	۰۴.۰
شاخص P-value	۰۶.۰
شاخص کای اسکوتر	۴۵.۲
شاخص GFI	۰.۸۱

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و دستاوردهای پژوهش

مدیریت شهری به شیوه سنتی با توجه به پیچیده‌تر شدن مشکلات شهری، جوابگوی اداره بهینه شهرها نمیباشد، به همین دلیل در سال‌های اخیر رویکردهای متعددی در حوزه مدیریت شهری به منظور عملکرد بهینه این مدیریت مطرح شده است که از جمله مهمترین این رویکردها می‌توان به حکمروایی خوب شهری اشاره کرد. طی چند دهه اخیر، حکمروایی خوب شهری به عنوان اثر بخش‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت پیچیده و چند سطحی شهرها مطرح شده است. حکمروایی با دخیل کردن مردم در امور مربوط به سرنوشت‌شان و پذیرش نظرها و تصمیم‌های همه ذینفعان به دنبال ایجاد وسایلی برای تسهیل مشارکت فعال و خودجوش می‌باشد. مولفه‌هایی چون شفافیت، پاسخگویی، مشارکت، قانونمداری، کارآمدی، اجماع‌گرایی و عدالت می‌تواند تنها راه‌هایی از مشکلات فعلی و ترسیم مطلوب چشم‌انداز آینده، نقش محوری در برنامه‌های مدیریت شهری ایفا می‌کند

این امر بخصوص با توجه به اینکه در چند دهه‌ی اخیر در سطح کشور، به دنبال گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها، ناشی از رشد روزافزون مهاجرت‌های روستایی - شهری، بحران کیفیت زندگی در شهرها ایجاد شده است و از طرفی مهمترین مسئله در این زمینه این است که میان محلات مختلف شهری از نظر کیفیت زندگی، تفاوت چشم‌گیری وجود دارد. که این موضوع در شهر سنندج هم قابل توجه است. شناخت و سنجش کیفیت زندگی در نواحی مادر شهر سنندج که معلول اقدامات مدیریت شهری و سایر نهادهای دولتی و خصوصی است، موضوع بسیار حیاتی است که با توجه به عدم سنجش کیفیت زندگی شهری در نواحی مختلف آن، می‌تواند زمینه‌ای برای ترسیم نقشه راهی برای مدیریت شهری و سایر نهادهای مسئول در جهت آگاهی از وضعیت موجود و اقدام برای تحقق صورت وضعیت مطلوب باشد. در همین راستا نتایج پژوهش حاضر نشان داده است که بین شاخص‌های حکمروایی شهری و کیفیت زندگی روابط معناداری وجود دارد و همچنین بر اساس نتایج معادلات ساختاری این موضوع اثبات می‌شود که هر چه شرایط استقرار و پایداری حکمروایی خوب شهری و عناصر و ارکان آن بهتر و بیشتر شود، کیفیت زندگی شهری بهبود و عملی‌تر می‌گردد. نتایج این بخش از پژوهش حاضر منطبق بر یافته‌های (شریف زادگان و قانونی، ۱۳۹۶)، (موحد و دیگران، ۱۳۹۴) و (توکلی و مومنی، ۱۳۹۵) بوده است، که این بیانگر میزان دقت و پایایی پژوهش حاضر است.

منابع

- احدنژاد، محسن؛ و نجفی، سعید. (۱۳۹۴). سنجش کیفیت ذهنی زندگی در محلات شهری با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (مطالعه موردی: محلات کارمندان و اسلام‌آباد شهر زنجان). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۶(۲۳)، ۱-۲۰.
- احمد آخوندی، عباس؛ برک پور، ناصر؛ خلیلی، احمد؛ صداقت‌نیا، سعید؛ و صفی‌یاری، رامین. (۱۳۹۳). سنجش کیفیت زندگی شهری در کلانشهر تهران. پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، ۱۹(۲)، ۵-۲۲.
- احمدی، عاطفه. (۱۳۹۶). تبیین تحولات اقتصاد فضای ناحیه پیراشهری سنندج (پایان‌نامه دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی). دانشکده گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه خوارزمی تهران، دانشگاه خوارزمی تهران.
- احمدی، محمدرضا؛ منصوریان، حسین؛ و رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۹). ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان). دانشگاه تهران، ۱(۱)، ۳۳-۶۵.
- اشرف، احمد. (۱۳۸۰). نگرش در مفهوم کیفیت زندگی و اجزای آن. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، (۵).

- افراخته، حسن؛ احمدی، عاطفه؛ قبادی، شادی؛ و قادرمزنی، حامد. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های انسانی با استفاده از روش‌های تحلیل تصمیم‌گیری چند معیاره (مورد: ناحیه سنندج). برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۱۷(۵)، ۱-۱۶.
- بریمانی، فرامرز؛ و بلوچی، عثمان. (۱۳۹۲). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی با استفاده از سامانه‌های هوشمند (منطق فازی) (مطالعه موردی: دهستان مهبان شهرستان نیک‌شهر). دانشگاه تهران، ۴(۳)، ۵۸۵-۶۱۳.
- پورطاهری، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری؛ و فتاحی، احداله. (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان). پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)، ۴۳(۷۶)، ۱۳-۳۱.
- پیلتن، فخرالسادات؛ و نیکنام، فاطمه. (۱۳۹۱). بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی (مطالعه موردی شهروندان ۳۰ سال و بالاتر شهر نور آباد ممسنی). دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، ۹(۳)، ۳-۹.
- توکلی، هانیه؛ و مومنی، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی میزان تحقق‌پذیری شاخص‌های حکمروایی خوب شهری با تاکید بر کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی مناطق ۱، ۷ و ۲۲ شهر تهران). دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۸(۲۶)، ۲-۱۸.
- حکمت‌نیا، حسن؛ ملکی، محمد؛ موسوی، میرنجف؛ و افشانی، علیرضا. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل حکمروایی خوب شهری در ایران: مورد مطالعه: شهر ایلام. دانشگاه گلستان، ۷(۲۴)، ۱۴۳-۱۵۲.
- رضوانی، محمدرضا؛ شکیبا، علیرضا؛ و منصوریان، حسین. (۱۳۸۷). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۸(۳۰ و ۳۱)، ۳۵-۶۰.
- ریاحی، وحید؛ احمدی، عاطفه؛ علیزاده، هادی؛ و قادرمزنی، زهره. (۱۳۹۴). سنجش نگرش اعضای شورای اسلامی روستاها به اولویت شاخص‌های کیفیت زندگی در نواحی روستایی؛ (نمونه‌ی موردی: روستاهای شهرستان دهگلان). پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۶(۳)، ۵۷-۶۷.
- سیف‌الدینی، فرانک. (۱۳۸۱). فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. (دانشگاه شیراز). شیراز: دانشگاه شیراز، مرکز نشر.
- شاه حسینی، پروانه؛ و توکلی، هانیه. (۱۳۹۳). تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی شهری مورد: محله وردآورد منطقه ۲۱ شهر تهران. آمایش محیط، ۷(۲۴)، ۱۲۷-۱۴۴.
- شریف زادگان، محمدرحیم؛ و قانونی، حسین. (۱۳۹۶). تحلیل رابطه حکمروایی خوب کشورها و کیفیت زندگی شهرها. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۷(۶۶)، ۱۸۵-۲۲۱.
- غفاری، غلامرضا؛ و امیدی، رضا. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی: کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران. رفاه اجتماعی، ۸(۳۰ و ۳۱)، ۹-۳۳.
- غفاری، مسعود؛ و زرین‌کاوایی، بهروز. (۱۳۹۰). بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ - ۸۴. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۷(۲۱)، ۸۸-۱۱۰.
- کوکبی، افشین؛ پورجعفر، محمدرضا؛ و تقوایی، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها. جستارهای شهرسازی، ۱۲(۴)، ۶-۱۳.
- موحد، علی؛ و احمدی، عاطفه. (۱۳۹۲). مسیریابی گردشگران در بافت‌های تاریخی با رویکرد حفاظت و احیای این بافت‌ها با استفاده از GIS (نمونه موردی: سنندج). دانشگاه تهران، ۳۹(۱)، ۹۳-۱۰۰.
- موحد، علی؛ ساسان‌پور، فرزانه؛ قاسمی کفرودی، سجاده؛ و کمان‌رودی، موسی. (۱۳۹۴). بررسی توسعه محله‌های شهری با تاکید بر الگوی حکمروایی خوب شهری مورد مطالعه (منطقه ۱۹ شهرداری تهران). برنامه‌ریزی آمایش فضا، ۱۹(۱) (پیاپی ۸۷).
- نوبری، نازک؛ و رحیمی، محمد. (۱۳۸۹). حکمروایی خوب شهری (یک ضرورت تردیدناپذیر). دانش شهر، ۱۱(۱).
- وصالی، سعید؛ و توکل، محمدمهدی. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در شهر تهران. مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، ۲(۲)، ۱۹۷-۲۲۰.

- Ahmadi, Atefe; Amraee, Ali; & Radi, Karim. (2013). Optimal Localization of Green Spaces by Using Fuzzy Logic(Case Study: Region 2 of Dezful Municipality). *International Journal of Emerging trends in Engineering and Development*, 3(1).
- Barkin, David. (2000). Local governance: A model of sustainable rural resource management for the Third World. *International Journal of Agricultural Resources, Governance and Ecology (IJARGE)*, 18(3), 43-55.
- Berger-Schmitt, Regina. (2002). Considering Social Cohesion in Quality of Life Assessments: Concept and Measurement. *Social Indicators Research*, 58(1/3), 403-428.
- Bullock, Susie JR. (2004, August). *An analysis of technology use and quality of life in a rural west Texas community*. Texas Tech University.
- Kamp, Irenevan; Leidelmeijer, Kees; Marsman, Gooitske; & Hollander, Augustinusde. (2003). Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Landscape and Urban Planning*, 65(1), 18, 419-434.
- Nilsson, Jan; Rana, A. K. M. Masud; & Kabir, Zarina. (2006). Social capital and quality of life in old age: results from a cross-sectional study in rural Bangladesh. *Journal of Aging and Health*, 18(3), 419-434. <https://doi.org/10.1177/0898264306286198>
- Turner, Mark; & Hulme, David. (2005). *Governance, Administration and Development Making the State Work*. Palgrave, London.
- UNDP. (1997). *Governance for sustainable human development*. New york: United Nations Development Programme.
- UNDP. (2008). *UNDP Annual Report 2008: Capacity Development: Empowering People and Institutions*.
- Ventegodt, Søren; Merrick, Joav; & Andersen, Niels Jørgen. (2003). Quality of life theory I. The IQOL theory: an integrative theory of the global quality of life concept. *TheScientificWorldJournal*, 3(1), 1030-1040. <https://doi.org/10.1100/tsw.2003.82>